

۴۰ ویژگی مدیرانی که کتاب می‌خوانند

«جامعه‌کتابخوان» زمانی محقق می‌شود که حداقل پخش قابل توجهی از کارگزاران و مدیران جامعه کتابخوان باشند و مردم اثرات انس با مطالعه و کتابخوانی را در گفتار، رفتار و نوع تصمیم‌مدیرانشان مشاهده کنند. از این رو بر اساس ۴۰ویژگی مدیرانی را که کتاب می‌خوانند برمی‌شمارم. ذکر این نکته ضروری است که انس با کتاب و کتابخوانی برکات و ثمراتی بیشتر از این ۴۰مورد برای «مدیران کتابخوان» دارد اما این ویژگی‌ها به طرز ملموس و محسوسی در رفتار، گفتار و تصمیمات «مدیران کتابخوان» قابل مشاهده است: «خود را مقید به مطالعه روزانه می‌دانند»، «داری سیر مطالعاتی هستند و کتاب‌های مورد نیاز حوزه کاری‌شان را در اولویت مطالعه قرار می‌دهند»، «در صحبت‌هایشان معمولاً از یک کتاب نام می‌برند یا اشاره به مطلبی از یک کتاب می‌کنند»، «بهترین هدیه‌ای که می‌دهند یک کتاب خوب است»، «از هدیه گرفتن کتاب بیش از هر هدیه دیگری خوشحال می‌شوند»، «معلومات عمومی بالایی دارند»، «هل برنامه‌ریزی هستند و کارهایشان را موثرتر و به برنامه‌دنبسالی می‌کنند»، «اهل نساوری در کار هستند»، «خیلی راحت تحت تأثیر تبلیغات قرار نمی‌گیرند»، «حرف‌های تکراری نمی‌زنند»، «دایره‌واژگان و لغات آنها بسیار وسیع است و در استخدام کلمات و اصطلاحات تبحر بالایی دارند»، «تصمیم‌های بسیار دشوار می‌گیرند و اصولاً ریسک‌پذیر هستند»، «حافظه قوی و ذهن خلاق دارند»، «سخنرانی‌های طولانی، بی‌محتوا و بدون مطالعه نمی‌کنند»، «مهارت گوش کردن بالا و در شنیدن انتقادات سعه صدر دارند و از سخن درشت خبرخواهی نمی‌زنند»، «هل فکر کردن هستند، زود تصمیم نمی‌گیرند و حرف‌های نستجیده نمی‌زنند»، «قد متصفانه را سازنده می‌دانند و تقدیرپذیر هستند»، «قدرت همدلی و هم احساسی خوبی دارند»، «انسان‌های دقیقی هستند و گزارشات و مطالب را با دقت می‌خوانند»، «خود را ذوقفون ندانسته و در همه زمینه‌ها اظهار نظر نمی‌کنند و برای نظرات کارشناسی احترام قائلند»، «مهارت نوشتاری داشته و در نگارش نامه‌ها و هر گونه متنی توانمند هستند»، «به احتی از اشتباهات خود عنبرخواهی می‌کنند»، «هل مشورت و استغاده از نظرات نخبگان و صاحب‌نظران هستند»، «سرعت را با دقت همراه کرده و شتاب‌زد عمل نمی‌کنند»، «هل تخیل و رؤیایر دازی مثبت هستند»، «آنچه را که می‌خوانند در رفتار و گفتار خود ذاتاب می‌دهند»، «تمرکز بالایی دارند و از موانع پیش رونمی‌ترسند»، «وقتی معلوم شد کاری غلط است، روی آن پافشاری و لجاجت نمی‌کنند»، «باجرئت هستند و از کارهای بزرگ واهمه ندارند»، «همیشه به دنبال تازه‌های نشر و کتاب‌های خوب می‌گردند»، «هل گفت‌وگو هستند»، «وادیکنشند و متوجهانه رفتار نمی‌کنند»، «هل یادداشت‌برداری از نکات مهم هستند»، «یکی از تفریحاشان کتابخوانی است»، «توان تجزیه و تحلیل بالایی دارند»، «به شدت عاشق یادگیری و مهارت‌افزایی هستند»، «شایعه‌پذیر نیستند»، «احساسات و هیجانات خود را به خوبی کنترل می‌کنند»، «کتاب جزو نیازهای ضروری زندگی آنها محسوب می‌شود»، «ارام، صبور، متین و با احترام رفتار می‌کنند»، امید آنکه مدیران و کارگزاران نظام همچون رهبر عزیز و کتابخوان انقلاب اسلامی ضمن برنامه‌ریزی برای انس بیشتر با کتاب و مطالعه، قبل از دعوت جامعه و مردم به کتابخوانی، خود بیبنگام نهفت کتابخوانی باشند چراکه مردم در این مسیر نگاهشان به کارگزاران نظام است. یادمان باشد، گام دوم انقلاب اسلامی گام همراه با کتاب است و مدیر تراز گام دوم انقلاب «مدیر کتابخوان» است.

✽ **مدیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان خراسان رضوی**

خبر

شجاع‌نوری در نقش «سلمان فارسی» مقابل دوربین رفت

علیرضا شجاع‌نوری، بازیگر نقش «سلمان فارسی» برای ایفای نقش جلوس‌دوربین داود میرباقری قرار گرفت. عوامل «سلمان فارسی» برای ادامه تصویربرداری صحنه‌های مربوط به «دیر سنت توماوز» پس از دو سال به قشم بازمی‌گردند. شروع سریال «سلمان فارسی» سال ۹۸ از قشم بود و حالا پس از دو سال عوامل برای ادامه کار به مدت دو ماه به زودی عازم قشم می‌شوند. این سریال ساخت سریال «سلمان فارسی» حداقل ادوات مربوط به بخش‌های مورد نظر، عازم قشم می‌شوند و هم‌زمان طرحی و ساخت لوکیشن‌ها ادامه دارد. علیرضا شجاع‌نوری، بازیگر نقش «سلمان فارسی» نیز برای ایفای نقش جلوی دوربین داود میرباقری قرار گرفت. ساخت سریال «سلمان فارسی» به حداقل پنج سال به طول خواهد انجامید و تاکنون حدود ۲۵درصد از این سریال تاریخی تولید شده است. ضمن اینکه از میان ۲۰هزار بازیگری که برای این سریال شناسایی شده‌اند، بیش از هزار و ۵۰۰ بازیگر جلوی دوربین داود میرباقری قرار گرفتند.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ابران

صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله نجفی
سر‌دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۴۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۴۹ | سه‌شنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۰ |
۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۷ |
انقلاب: ۱۷:۱۶ | شب‌شماره: ۲۰:۰۶ | ۲۳:۰۶ |
صبح فردا: ۵:۱۵ | طلوع آفتاب: ۶:۴۲ |

در مراسم رونمایی از کتاب «۵۷ روز» مطرح شد

ادبیات داستانی و تخیل

بهترین راه جذب مخاطب و ماندگاری اتفاق‌ها

کتاب «۵۷ روز» پشتوانه پژوهشی قوی‌ای دارد. داستان به پالایش روحی مخاطب کمک می‌کند. زبان روایت ساده و دلنشین است و دیالوگ‌ها هویت دارد

می‌دهد و آن را ماندگار می‌کند و با‌شاعر و گزارش متفاوت است.

وی ادامه داد: ابتدای کتاب «۵۷روز» بسیار مهم است و مثل قابلی است که ماهیگیر می‌اندازد مخاطب را جذب می‌کند. از وظایف ابتدای داستان نیز همین است که علاوه بر معرفی شخصیت‌ها، یک صحنه جاندار ایجاد کند. همانطور که در این کتاب آمده است، مه‌ری که اهل مشهد است و همراه همسرش که در سوسنگرد کار می‌کرده به این شهر وارد می‌شود و صحنه‌های ابتدایی همه گویای داستان است چیزی است که در کتاب زیاد به چشم می‌خورد. نویسنده در فضاسازی و انتقال حس بسیار موفق عمل کرده است، در کلامش ایجاز دارد و همین باعث جذب مخاطب می‌شود.

این نویسنده و پژوهشگر حوزه دفاع مقدس، افزود: این کتاب پشتوانه پژوهشی قوی‌ای دارد، زیرا نویسنده برای نگارش اثر به سوسنگرد سفر کرده است. داستان به پالایش روحی مخاطب کمک می‌کند. زبان روایت ساده و دلنشین است، دیالوگ‌ها هویت دارند. یکی از کارهایی که نویسنده انجام داده این است که کشمکش در طول داستان زیاد به چشم می‌خورد، همچنین تصویری روشن عینی و واقع‌نما از جنگ ارائه کرده است.

حنیف در ادامه بیان کرد: نوشتن از جنگ برای تثبیت صلح ضروری است، زیرا نشان می‌دهد اگر جنگی به ملتی تحمیل شود و دفاع صورت نگیرد، چه اتفاقی می‌افتد و آنجاست که قدر سربازهایی را می‌دانیم که از جانشان گذشتند و جنگیدند. این کار فقط یک اشکال داشت که از گزارش‌های رادیویی و روزنامه خیلی استفاده کرده و این موضوع حرکت داستان را کند می‌کند، اگر در قالب گفت‌وگو می‌آمد، بهتر بود.

▀ **«ادبیات» لکوموتیو فرهنگ**

سرداد جعفری، مدیرعامل موزه انقلاب اسلامی نیز در بخش پایانی این برنامه گفت: یکی از وظایف ما قطعاً تربیت و کمک به ارتقای نیروهای جوان و نوقلم است، برای اینکه در آینده قله‌های ادبی را فتح کنند. یک نویسنده تأثیرگذار امروز به اندازه یک لشکر می‌تواند تأثیر گذار باشد. ادبیات لکوموتیو فرهنگ است، اگر می‌خواهیم اندیشه‌ها بارور شود، باید در ادبیات خصوصاً ادبیات داستانی تکیه کنیم، زیرا مثل باران لطیفی است که در عمق زمین فرو می‌رود و جان را سیراب می‌کند.

کارتک صحراصراف آنچنان کلیشه‌ای و منفعل است که نقش او به هیچ وجه متقاعدکننده نیست و به موازات آن خانواده شاهنگ هم درست معرفی نمی‌شوند، به طوری که انگار جزیره از چند قسمت جلوتر شروع شده، چراکه روابط کاراکترها به هیچ‌وجه معرفی نسبی نمی‌شوند، نکته مهم در قسمت سوم است که حتی مخاطب معمولی این گونه از سرپال‌ها متوجه سادگانگاری کارگردان در ایجاد موقعیتی می‌شود که در نظر شوخی است؛ مواجه شدن صحرا با رشد در محیط هتل تاگیر افتادن آنها در دریا اگر شوخی و خرمبل نیست، پس چیست؟ دیالوگ‌هایی که میان صحرا و ارشد رد و بدل می‌شود مگر می‌توان باور کرد؟ قایق آنها وسط دریا خراب شده است و آن دو تا مشغول گفتن دیالوگ‌هایی هستند که در آن موقعیت عجیب به نظر می‌رسد. بازی آنها به طرز عجیبی سطحی و حرض در است، آنچه جالب که در وسط دریا موبایل آنتن می‌دهد، چند سکانس جلوتر امیرحسین وسط دریا موبایلش سروصدای رسانه‌ای برای بازی یک خواننده‌ای بود که در حرفه خودشان موفق نیست، برای عوامل جزیره باید متأسف بود. بهتر بود این خواننده در کیش کنسرت بدهد تا این‌که می‌هنری‌اش را در بازیگری فریب‌داند.

نما | حسین کشنگار

حکمت

امام علی(ع):

حق، راه بهیشت است و باطل،

راه جهنم و بر سر هر راهی

دعوت‌کننده‌ای است.

(نهج‌السعاده، ج ۳، ص ۲۹۱)



نقد سریال

«جزیره» سرگردان از ایده تا انتخاب یک خواننده!

گویی سریال سیروس مقدم با این انگیزه ساخته شده است که یک خواننده را باز یگر کند مثل رضا یزدانی در «هیدان سرخ» و سیروان و سانبار خسروی در «حرفه‌ای» و حالا نوبت امیر مقاره بوده است



دیالوگ‌های شبه‌اشفاقانه تین‌ایرجرست میان صحرا و ارشد با چه رویکردی نوشته‌شده؟ چرا باید چنین نقشی را یک خواننده بازی کند و نقش صحرا را یک بازیگر بی‌تجربه که نمی‌تواند حس درستی از ترس داشته باشد! انگار مقدم سکانس سقوط بالان در «کجا می‌آید» در این سه قسمت چندین دقیقه نمای چنین موقعیتی را با بدترین و مصنوعی‌ترین جلوه‌های بصری می‌بینیم. ارشد به دلیل بیماری دلناغ دچار یک حالتی است که واقعاً نمی‌تواند متقاعدکننده باشد.

اگر طلقت‌بیابوردی سکانس پایانی قسمت سوم را ببینید، دیگر کامل خواهید فهمید که مقدم در ایجاد موقعیت و میزانشن ناتوان است؛ رسیدن قایق به خشکی، کشیدن قایق توسط صحرا با طناب و فرود هلی‌کوپتر! این همه نابلدی در متن و اجزا از کجا می‌آید؟ در این سه قسمت چندین دقیقه نمای زائد وجود دارد با نماهای متعدد هلی شات. قصد کارگردان نشان دادن یک خانواده در جریان اقتصاد کثیف بوده و سعی داشته نظام سرمایه‌داری لوذه را به خانواده نسبت بدهد اما در یک پرده پرینس سینمایی لوده می‌فرختند؟ آن همه نشان دادن این سریال دیده نمی‌شود. نقش فروتن از سریال مانکن می‌آید، بدون یک درصد تغییر، بازیگران فارغ از هر حس هنری فقط دیالوگ می‌گویند! راستی برای قسمت سوم این سریال در یک پرده پرینس سینمایی لوده می‌فرختند؟ آن همه سروصدای رسانه‌ای برای بازی یک خواننده‌ای بود که در حرفه خودشان چندان موفق نیست، برای عوامل جزیره باید متأسف بود. بهتر بود این خواننده در کیش کنسرت بدهد تا اینکه می‌هنری‌اش را در بازیگری فریب‌داند.

شعر

شعر مجید تال به مناسبت ایام ورود حضرت معصومه(س) به قم

نور چشمان ضامن آهو

جان سلطان طوس کاری کن
گره افتاده است در کار...
پسرم از زمانه دلگیر است
گوشه چشمی به اشک و آهش کن
از خجالت نیامده به حرم
حاجتش را بده، نگاهش کن
ویلچر ماند و پیرزن رفت
با همان قلب آرزومندش
ساعت هشت بود و برمی‌گشت
لنگ‌لنگان به سوی فرزندش
با خداحافظی او دیدم
حرم انگار غرق حاجت‌اوست
گریه می‌کرد و با خودم گفتم
مگر این آخرین زیارت‌اوست
روزها رفت و در خیالاتم
ماند از پیرزن معمایی
سال‌ها بعد در ورودی صحن
پیشم آمد جوان نرغایی
در بغل داشت طفل نوزادی
نام او را رضا گذاشته بود
پیرزن با دعای خیر خودش
یادگاری به جا گذاشته بود...

مجید تال از شاعران جوان با
بازخوانی شعری زیبا آن را به
حضرت معصومه(س) تقدیم کرد.

از ورودی صحن می‌دیدم
هر که با هر عقیده می‌آمد
در کنار جوان نرغایی
مادرش قد خمیده می‌آمد
پیرزن داشت با پسری می‌گفت
من که می‌دانم از چه دلگیری
با من اینک بیا حرم... اما...
حرف مادر نداشت تأثیری
پیرزن روی ویلچر، خسته
با مقاومتی کهنه‌ای در دست
کوهی از درد بود و فهمیدم
به گریه‌م پناه آوردم
حاجت‌اهل روستا انگار
لا‌به‌لای صداش پنهان بود
گوشه کوله‌بار ساده او
التماس دعا فراوان بود
داشت با «اشفی‌لنا» تا عرش
دل من را قدم قدم می‌برد
ویلچر دست من... ولی در اصل
او مرا داشت تاحرم می‌برد